



فریدون مجلسی

خوش‌بختانه من فقط به دیدن نمایش‌های خوب و خیلی خوب می‌روم. در آخرین شب اجرای نمایش «حرفه‌ای» در تماشاخانه پاییز، این شانس را داشتم که به دیدن انثری فوق‌العاده بروم؛ اثری به کارگردانی و بازیگری رضا کیانیان در کنار بهاره رهنما و هدایت هاشمی. «حرفه‌ای» به نظر تماشاکری متعارف، مانند من، شاهکاری بود که با کارگردانی و بازیگری و صحنه‌آرایی ماهرانه اجرا شد. اثری از کارگردان و نمایش‌نامه‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس صرب به نام «دوشان کواچویچ»، متولد ۱۹۴۸، فارغ‌التحصیل رشته تئاتر و عضو آکادمی هنر و علوم صربستان که در کشور خود نامدار است؛ مدتی نیز به‌عنوان سفیر کشورش در پرتغال خدمت کرده و آثارش به اغلب زبان‌های زنده جهان ترجمه شده و به صحنه رفته است. اشاره به سن و سوابق تحصیلی و عضویت در آکادمی هنر و علوم و حتی مقام سفارت نویسنده برای این است که بگویم با شخصیتی سردوگرم چشیده و فریخته و ممتاز و اثری ممتاز طرف هستیم و لابد به‌همین دلیل است که لازم بود کارگردان و هنرمندانی ممتاز مانند رضا کیانیان و بهاره رهنما و هدایت هاشمی آن اثر را که آقای ایرج امامی به فارسی بی‌نقص برگردانده است به صحنه آورند و چنین کردند. کیانیان در اسفند ۹۵ در یادداشتی در روزنامه آریان‌زمان، اشاره به اینکه همین نویسنده فیلم‌نامه مشهور «بیزرزمین» را نوشته که نخل طلای جشنواره فیلم کن را در سال ۱۹۹۵ دریافت کرده است، یادآور می‌شود که خودش دوازده سال پیش نیز در اجرای دیگر همین

ادامه از صفحه ۱۰

می‌کشید، بلکه باید روی چگونه نگه‌داشتن آنها صحبت

می‌شد. آنچه در سال‌های آخر فعالیت آن دکورها اتفاق می‌افتاد، لزوماً به کیفیت طراحی صحنه کمک نمی‌کرد. این کارگاه‌ها حداقل باید برای ترمیم، مرمت و ساختن اکسسوارهای کوچک می‌ماندند و سیستم آنها قوی‌تر و کنترل کیفیت‌شان بیشتر می‌شد.

۴ شما با طراحی دکور اتورا موافق هستید یا فکر می‌کنید دیگر دوره طراحی برطوطراق گذشته و باید به سمت دیگری حرکت کرد؟

فکر می‌کنم برای هر نمایشی باید آنچه لازم‌ه صحنه

نمایش است، طراحی شود. نمی‌توانم بگویم طراحی

پرطمطراق خوب یا بد است. اگر فضای یک اثر نمایشی

احتیاج به طراحی پرطمطراق داشته باشد، باید آن را

انجام دهم؛ در غیر این صورت، نباید خودم را به صحنه

آن نمایش تحمیل کنم. البته در دنیای امروز، نور، تری‌دی

میپیک، کارهای کامپیوتری و… پیشرفت کرده و حرف اول را

می‌زند و روی کل طراحی صحنه اثر گذاشته؛ اما نمی‌توانم

بگویم کلاً چوب و تخته را دور بریزیم. بیا این حال، فکر

می‌کنم با پیشرفت تکنولوژی، شانس ما برای آنکه بتوانیم

کارهای کم‌طمطراق‌تر انجام دهیم، بیشتر شده است.

۴ اکنون در جهان تعریف جدیدی از هنر نمایش

و طراحی صحنه وجود آمده و هر چه قدر

نمایش‌نامه‌نویسی دوباره به سمت قصه‌گویی

برمی‌گردد، در طراحی صحنه به سمت دیگری حرکت

می‌کنیم. از ۱۲۰۰ سال پیش که دوبساره گروه‌های

جهانی به ایران آمدند و به‌ویژه در جشنواره فجر روی

صحنه رفتند، بیکاره موجی در طراحی‌های ما به وجود

آمد که بر اساس آن، طرح‌صحنه‌ها شروع به استفاده

از ویدئوپروزکشن و به‌کسری از شکل‌های ماشینی

کردن که شاید هیچ ربطی به ذات اجرا هم نداشت. به

نظرتان اگر الان ما بخواهیم با دیدن فقط چند عکس

و فیلم، دوباره به سمت فضای جدید تئاتر در طراحی

صحنه حرکت کنیم، طراحی صحنه و اجرای نمایش ما

لطمه نمی‌خورد؟ این اینکه این مرحله را هر مرحله نمایش

می‌داند و معتقدند لازم است این اشتباهات را در تجربه

کنیم تا بتوانیم به سطح خوبی از زیبایی‌شناسی برسیم؟

اگر بخواهم بین این دو شرط یکی را انتخاب کنم، دومی

را که مربوط به تجربه‌کردن است، برمی‌گزینم. حرکت

ممکن است با اشتباه همراه باشد؛ اما اگر حرکت نکنیم، به

آنچه بقصدی نمی‌رسیم. من بارها شده کارهایی را بدون

هیچ مقدمه جواب می‌دهم یا نه. تجربه کردم. البته هیچ

کاری نکنیم. در نهایت کمکی نخواهد کرد. پس اگر گروهی

فکر کنند این جنس از طراحی و فضاسازی ممکن است

به نمایش‌شان کمک کند یا اصلاً بخواهند آن را به تئاتر

معرفی کنند، بهتر از این است که ما بخواهیم با آن غریبه

بمانیم. همه جای دنیا دم وجود دارد که این دم در هنر

هم اتفاق می‌افتد؛ منتها اگر این عرصه نبود؛ به نظرمان

باشد، در کوتاهمدت حذف خواهد شد.

۴ شما تحصیلات طراحی صحنه را به صورت آکادمیک

گذرانده‌اید و خوشبختانه خیلی از هم‌دوره‌ای‌های‌تان

نیز مانند خودتان در طراحی صحنه یا طراحی‌های

دیگر تئاتر موفق هستند. در دوره‌ای که در ایران زندگی

می‌کردید، جزو پرکارهای این عرصه بودید؛ به نظرمان

امروز آموزش آکادمیک طراحی صحنه و لباس در

کشورمان چقدر با نقصان روبه‌رو است؟

ما تنها در آموزش طراحی صحنه نقصان نداریم؛ این

نقصان به‌طور کلی به سیستم آموزشی کشورمان مربوط

می‌شود. آموزش‌دادن را بلد نیستیم. من در اروپا آموزش

ندیده‌ام و چیزی از آن نمی‌دانم؛ اما به جرئت می‌گویم اگر

می‌خواهید چیزی را یاد بگیرید، بهترین آموزگاران در آمریکا

هستند. البته این به آن معنا نیست که آموزگاران آمریکایی

در کارشان نسبت به آموزگاران ایرانی سلطه‌ترند؛ بلکه به

این معناست که آنها در هر مبحثی که ارائه می‌دهند، از

سیستم طراحی‌شده آموزشی پیروی می‌کنند و آنچنان

قدم به قدم با شاگردان حرکت می‌کنند که شاگردان باید

از میانگین هوشی متوسطی برخوردار باشند که آن را یاد

نگیرند. در آمریکا تحصیلاتی دو، سه ساله داشتم که در

ایران یاد طی ۱۵ سال آن را یاد می‌گرفتم. آنها مطلب

آموزشی را به شاگردان تزریق می‌کنند، به‌گونه‌ای که در

ذهن طبقه‌بندی می‌شود و همواره در خاطرنان می‌ماند.

امیدوارم این گفته من محل بر توهین نشود اما واقعیت

این است که کلاس‌های آموزشی ما مضحک هستند. ما

«حرفه‌ای»؛ با کارگردانی حرفه‌ای و بازیگران حرفه‌ای



نمایش، براساس نسخه ترجمه‌شده از آلمانی با نام «حرفه‌ای‌ها؛ یک کمدی غمگین» در فرهنگسرای نیاوران به کارگردانی بابک محمدی، بازی کرده، اما برای اجرای دوباره از خوانشی متفاوت و با نگاهی جدید از روی ترجمه انگلیسی که در برکلی و لندن و نیویورک با موفقیت روی صحنه رفته، استفاده کرده است. «دوشان کواچویچ» تلخی دوران سرگوبگری و خودکامگی نظامی کمونیستی را که متکی به سانسور و جاسوسان پلیس مخفی بود لمس کرده است و به یاد دارد. به‌همین‌دلیل است که انعکاس تجربه تلخ نسل او در آثارش رنگ سیاسی و اعتراضی می‌یابد. برای نمونه نمایش‌نامه معروفی دارد به نام «جاسوس بالکان» که به چینی ترجمه و در فضای باز سیاسی دموکراسی خواهی چین در پایان دهه هشتاد آماده اجرا شده بود؛ اما با تغییرات و واکنش خشونت‌آمیز محافظه‌کارانه و سرکوب قیام میدان «تیان آن من» گرفتار ممنوعیت و سانسور شد و هرگز به اجرا

نمی‌توانم خودم را ایزوله کنم

باشد و اگر متنی توضیح صحنه داشته باشد، معمولاً آن نمی‌خوانم اما اگر به آنچه نویسنده نوشته، نیاز پیدا کرد، برمی‌گردم و آن را می‌خوانم. آنچه بیشتر از توضیح نویسنده برایم اهمیت دارد، صحبت با شخص کارگردان

۴ اگر شخصی امروز تصمیم بگیرد که وارد حرفه طراحی صحنه شود، شما به‌عنوان یکی از موفق‌ترین طراحان صحنه این کشور به او پیشنهاد می‌کنید که این حرفه را به‌صورت آکادمیک آموزش ببیند یا آن را در کنار یک طرح صحنه به‌صورت تجربی یاد بگیرد؟

حتماً پیشنهاد می‌کنم که طراحی صحنه را به‌صورت

آکادمیک یاد بگیرد چون آموزش آکادمیک با همه نقاط

ضعفش، بیسی از طراحی صحنه را برای ذهن دانشجو

می‌سازد. البته ما در عرصه آموزش آکادمیک، فردی

ندانم پیام فروتن را داریم که واقعاً زحمت می‌کشد و از

مادش بالایی در حوزه آکادمیک و تحقیق طراحی صحنه

برخوددار است اما او تنها یک نفر است و صحبت ما درباره

کل سیستم آموزشی است. با همه نواقصی که در سیستم

آموزشی کشورمان وجود دارد، باز هم معتقدم دانشگاه و

تحصیلات آکادمیک باید وجود داشته باشد تا فضا را برای

حضور در کار حرفه‌ای آماده کند. البته طراحان صحنه

بسیاری را می‌شناسم که تحصیلات آکادمیک را نگذرانده‌اند

اما خیلی در کارشان حرفه‌ای و موفق‌اند.

۴ معتقدید که طراح صحنه باید با کارگردان رابطه

تنگانگی داشته باشد و این دو از روزهای ابتدایی تولید

یک نمایش در کنار یکدیگر قرار بگیرند، اما به نظرمان

علاوه بر کارگردان، کدام یک از عوامل دیگر اجرایی

می‌توانند به کار طراح صحنه کمک کنند؟

سعی کرده‌ام که این‌طور باشد. تا چند سال پیش سابقه

۸۰ طراحی صحنه و لباس در کارنامه خودم داشتم که در

آنها کار خیلی خوب، خوب، متوسط و چند آرد بد هم وجود

دارد، بنابراین همه نوع کاری داشته‌ام و شاید آن کاری که

از صفر تا صد طراحی صحنه برعهده خودم نبوده، یکی از

کارهای متوسط بوده است.

۴ شما طراح صحنه‌ای هستید که چندین جایزه

برده‌اید و چند اثرتان را در خارج از کشور اجرا کرده‌اید

که مورد تعریف و تمجیدهای فراوانی قرار گرفته است.

حضورتان در اجراهای خارج از کشور و با‌خورد‌های

مثبت آن، چقدر در نگاهان به طراحی صحنه تغییر

ایجاد کرد؟

این تمجیدها و با‌خورد‌های مثبت چندین در نوع

نگاهم به طراحی صحنه تغییری ایجاد نمی‌کند ولی باعث

می‌شود با اعتمادبه‌نفس بیشتری به کار ادامه دهم.

هنرم را به تماشاگر ارائه می‌دهم و نمی‌توانم خودم را

ایزوله کنم، بنابراین نظر تماشاگر و خصوصاً متخصص‌ها

برایم مهم است و روی برداشتن

گام‌های بعدی‌ام تأثیر می‌گذارد. البته

تعریف و تمجیدنکردن از من، مرا

مخوش نمی‌کند و رویم تأثیر منفی

نمی‌گذارد. زمانی که ۲۶، ۲۵ ساله

بودم، خیلی از امروز بیشتر به جایزه

فکر می‌کردم، چون آن زمان جایزه

بود که می‌توانست به همه نشان

دهد کارم خوب است. زمان‌هایی

هم برایم پیش آمده که کارم را بهتر

از همیشه انجام داده‌ام اما جایزه‌ای

نگرفته‌ام که این اتفاق چندین برابرم

ناراحت‌کننده نبوده چون ممکن

است افراد دیگر از من بهتر بوده باشند. معتقدم اگر

کارم بی‌نقص انجام شود، بعید است حتی آن نگاهی

که سلیقه‌ای متفاوت نسبت به من دارد هم آن را نادیده

بگیرد. سه سال پیش که به ایران آمده بودم، تئاتری به نام

«صدای آهسته برف» را تماشا کردم که طراحی صحنه

آن فوق‌العاده زیبا بود و مطمئناً همه عجب‌کس و هیچ

سلیقه‌ای آن را نادیده نمی‌گیرد. بنابراین اگر ناگاهی با

سلیقه بیشتر از دانش آکادمیک حکم کند، باز هم می‌توانم

کارم را به‌گونه‌ای بی‌ایراد پیش ببرم که آن آدم نتواند

قضاوت خودش را تحمیل کند.

۴ بعضی از استادان در دانشگاه‌های هنر یک فضای

تیره و تاری طراحی صحنه و به‌طورکلی تئاتر ساخته و به

دانشجویان القا می‌کنند، آنها معمولاً دانشجویان را

به‌خاطر انتخاب رشته‌شان سرزنش می‌کنند و می‌گویند

این رشته به پایان خود نزدیک شده و اگر خودشان

هم در آن مانده‌اند، به اجبار بوده است. به نظرمان

این فضای نامیدکننده‌ای که برخی از استادان طراحی

صحنه و تئاتر در دانشگاه‌ها ایجاد می‌کنند، چقدر در

کمترشد تعداد دانشجویان این حوزه تأثیرگذار است؟

هنر

حرفه‌ای و بازیگران حرفه‌ای

درنیامد. «حرفه‌ای» برای من یادآور تجربه‌ای شخصی از وضعیت یوگسلاوی در سال‌های ۱۹۷۷ است که بیش از ده سال پیش در کتاب «حکایتی از پله دوم» چنین آورده‌ام: «در سفری به یوگسلاوی در دوران اقتدار تیتو، در رستورانی در رینگا با مهندسی کروات آشنا شدیم، به حرارت از ملیت خود، از فشارها و تحمیل‌های رژیم کمونیستی و از اشتیاقشان به استقلال و آزادی صحبت می‌کرد. بعدها که با فروپاشی یوگسلاوی آن آرزو تحقق یافت، به او فکر می‌کردم. در آن زمان چگونه آرزو و اشتیاقش را عبث و ناممکن می‌پنداشتیم؟ اما واقعیتی را می‌گفت که گذشت زمان نتوانسته بود آن را بپوشاند. آشنایی با آن سرزمین زیبا موجب شد در زمان جنگ در آن منطقه بسیار متأثر شوم… آن مهندس در واقع پیامی را به ما رسانده بود که بعدها درباره آن با دیگران صحبت کردم، و به آن فکر می‌کردم… در واقع او آن روز وظیفه‌ای را که برای خود احساس می‌کرد، با خطر کردن در آن رژیم پلیسی، انجام داده بود. درواقع نمایش «حرفه‌ای» یادآور خاطره‌ای از همان دوران و در همان سرزمین است. آن روز از زبان مهندسی کروات و در این نمایش از قلم روشنفکری صرب که با طنزی قوی، آن نظام متکی به جاسوسی و سانسور و سرکوب را به تمسخر می‌گیرد و اعتراض می‌کند.

سازمانی که از جزئیات زندگی شخص «مورد نظر» یا سوره‌ه حتی بیشتر از خود آن شخص آگاه است، و اگر به مسئله و «موردی» خاص برخورد کند، اصل صورت مسئله را پاک می‌کند. درعین‌حال سانسورچی عامی که با شنیدن افکار و خواندن آثار و عقاید سوره‌خودش، پس از سال‌ها، چنان تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد که دست‌آگاه امنیتی او را منحرف تشخیص می‌دهد، و حتی پیش از فروپاشی نظام کمونیستی او را هم، بی‌جغ رفتار خودسرانه، تصدیق می‌کند؛ و نیز چگونه فرزندان همان سانسورچی‌ها با شرمندگی در مقابل پدرانشان شورش می‌کنند و چگونه بعد از فروپاشی، مسائلی تکرار می‌شود…

زمانی که دانشجو بودم، این صحبت‌ها روی اراده‌ام

تأثیری نگذاشت و با اراده پیش رفتم اما بی‌تردید روی

خیلی از دانشجویان طراحی صحنه و به‌طورکلی تأثیر

منفی می‌گذارد. البته اکثریت دانشجویان جوان و پرشور

طراحی و تئاتر چنان عاشق این حرفه هستند که از این

فضاسازی‌های تیره و تار در جهت تلاش برای تغییر اوضاع

استفاده می‌کنند.

۴ اگر شخصی امروز تصمیم بگیرد که وارد حرفه

طراحی صحنه شود، شما به‌عنوان یکی از موفق‌ترین

طراحان صحنه این کشور به او پیشنهاد می‌کنید که این

حرفه را به‌صورت آکادمیک آموزش ببیند یا آن را در کنار

یک طرح صحنه به‌صورت تجربی یاد بگیرد؟

حتماً پیشنهاد می‌کنم که طراحی صحنه را به‌صورت

آکادمیک یاد بگیرد چون آموزش آکادمیک با همه نقاط

ضعفش، بیسی از طراحی صحنه را برای ذهن دانشجو

می‌سازد. البته ما در عرصه آموزش آکادمیک، فردی

ندانم پیام فروتن را داریم که واقعاً زحمت می‌کشد و از

مادش بالایی در حوزه آکادمیک و تحقیق طراحی صحنه

برخوددار است اما او تنها یک نفر است و صحبت ما درباره

کل سیستم آموزشی است. با همه نواقصی که در سیستم

آموزشی کشورمان وجود دارد، باز هم معتقدم دانشگاه و

تحصیلات آکادمیک باید وجود داشته باشد تا فضا را برای

حضور در کار حرفه‌ای آماده کند. البته طراحان صحنه

بسیاری را می‌شناسم که تحصیلات آکادمیک را نگذرانده‌اند

اما خیلی در کارشان حرفه‌ای و موفق‌اند.

۴ معتقدید که طراح صحنه باید با کارگردان رابطه

تنگانگی داشته باشد و این دو از روزهای ابتدایی تولید

یک نمایش در کنار یکدیگر قرار بگیرند، اما به نظرمان

علاوه بر کارگردان، کدام یک از عوامل دیگر اجرایی

می‌توانند به کار طراح صحنه کمک کنند؟

سعی کرده‌ام که این‌طور باشد. تا چند سال پیش سابقه

۸۰ طراحی صحنه و لباس در کارنامه خودم داشتم که در

آنها کار خیلی خوب، خوب، متوسط و چند آرد بد هم وجود

دارد، بنابراین همه نوع کاری داشته‌ام و شاید آن کاری که

از صفر تا صد طراحی صحنه برعهده خودم نبوده، یکی از

کارهای متوسط بوده است.

۴ شما طراح صحنه‌ای هستید که چندین جایزه

برده‌اید و چند اثرتان را در خارج از کشور اجرا کرده‌اید

که مورد تعریف و تمجیدهای فراوانی قرار گرفته است.

حضورتان در اجراهای خارج از کشور و با‌خورد‌های

مثبت آن، چقدر در نگاهان به طراحی صحنه تغییر

ایجاد کرد؟

این تمجیدها و با‌خورد‌های مثبت چندین در نوع

نگاهم به طراحی صحنه تغییری ایجاد نمی‌کند ولی باعث

می‌شود با اعتمادبه‌نفس بیشتری به کار ادامه دهم.

هنرم را به تماشاگر ارائه می‌دهم و نمی‌توانم خودم را

ایزوله کنم، بنابراین نظر تماشاگر و خصوصاً متخصص‌ها

برایم مهم است و روی برداشتن

گام‌های بعدی‌ام تأثیر می‌گذارد. البته

تعریف و تمجیدنکردن از من، مرا

مخوش نمی‌کند و رویم تأثیر منفی

نمی‌گذارد. زمانی که ۲۶، ۲۵ ساله

بودم، خیلی از امروز بیشتر به جایزه

فکر می‌کردم، چون آن زمان جایزه

بود که می‌توانست به همه نشان

دهد کارم خوب است. زمان‌هایی

هم برایم پیش آمده که کارم را بهتر